

گزارش

اصلاح‌طلبان و مفهوم هسته سخت قدرت



عباس ترابی

حقوق‌دان و **پژوهشگر** **راشده** **مطالعات آمریکا** و **حقوق بین‌الملل** از **دانشگاه تهران**

با برگزاری دور دوم از چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در روزهای اخیر، اصلاح‌طلبان به کاندیداتوری مسعود پزشکیان در یک رقابت بسیار نزدیک با سعید جلیلی، کاندیدای جریان پایداری از جریانان موسوم به «جبهه انقلاب» به پیروزی رسیدند و موفق شدند سه سال پس از واگذاری قدرت در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ دوباره به مسند قدرت بازگردند. بازگشت دوباره جناح موسوم به اصلاحات به قدرت، از این منظر مهم است که نگرش یک‌خطی به ساختار روابط قدرت در نظام جمهوری اسلامی از این پس پاسخ‌گوی تحلیلمان سیستم‌های سیاسی نیست و باید مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد تا پیش‌فرض‌ها و نگرش‌های قبلی نظریه‌پردازان سیستم‌های سیاسی در این زمینه اصلاح شود.

اگرچه با پیروزی اصولگرایان در سیزدهمین دور انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، اغلب تحلیلمان سیستم‌های سیاسی فرض را بر این گذاشته بودند که جناح موسوم به اصلاحات دیگر در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی نقش و جایگاهی نخواهند داشت و جناح‌های موسوم به اصولگرایی در قالب جبهه انقلاب، از انتخابات ۱۴۰۰ به این سو همواره قدرت را بین خود دست به دست خواهند کرد، اما بازسبگیری مجدد قدرت از سوی اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر خط بلطانی بر این فرضیه کشید و ضرورت بازخوانی روابط قدرت را بیش‌ازپیش آشکار کرد بنابراین شناخت مجدد استراتژی عمومی نظام جمهوری اسلامی، جایگاه و تاکتیک‌های انطباق و تحول سیستم در حوزه سیاست داخلی مطابق با تغییرات در جامعه، ضروری به نظر می‌رسد.

حال اگر بخواهیم استراتژی نظام جمهوری اسلامی در حوزه سیاست داخلی را تعریف کنیم، باید آن را جریان کلی حاکم بر هماهنگ‌سازی امکانات و اهداف برای تأمین خواسته‌های نظام سیاسی دانست که بر محور «بقای سیستم» بنا شده است. اما نکته مهم اینجاست که استراتژی اصلاح‌طلبان برای بقای خود در قدرت و بقای سیستم را چگونه می‌توان تعریف کرد؟ در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد استراتژی اصلاح‌طلبان بر نوعی پیش‌فرض مبتنی بر وجود دیالکتیکی از «عراض» و «منافع» بین دیگر بازیگران عرصه سیاست در جمهوری اسلامی استوار است. استراتژی اصلاح‌طلبان به‌عنوان یک بازیگر عقلانی، در راستای افزایش عینی منابع و ارزش‌ها به جای کناره‌گیری از قدرت در راستای بازپس‌گیری قدرت نهفته است. به عبارت دیگر، اصلاح‌طلبان با ظرافت هرچه بیشتر، استراتژی را هنر توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در راستای رسیدن موفقیت‌آمیز به قدرت در مقابل جناح‌های موسوم به «جبهه انقلاب» درک کرده و به کار گرفتند.

اما هدف این مقاله بررسی استراتژی اصلاح‌طلبان در چگونگی رسیدن به قدرت مجدد نیست؛ بلکه هدف مطالعه نوع رابطه اصلاح‌طلبان با «هسته سخت قدرت» در جمهوری اسلامی است. پیش‌فرض نگارنده بر این اصل استوار است که جناح موسوم به اصلاحات خود اصلی‌ترین محافظ هسته سخت قدرت در نظام جمهوری اسلامی است، اما پیش از تشریح چگونگی این موضوع، بهتر است تعریفی از هسته سخت قدرت ارائه داد که در ادبیات سیاسی جهان از آن به Deep State یاد می‌شود. عبارت «هسته سخت قدرت» برای اولین بار در ترکیه نوین عصر اتاتورک ابداع شد که منظور از آن اندیشه‌های کمالیسم بود که ارتش این کشور خود را محافظ اندیشه‌های مصطفی کمال ملقب به اتاتورک، می‌دانست و مراقب بود تا سیاست داخلی و خارجی ترکیه از این چارچوب خارج نشود، بنابراین هسته سخت قدرت، درواقع نه یک گروه یا یک شخص، بلکه «اندیشه و چارچوبی» است که توان بلامنازع در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ابلاغ آن به کل سیستم سیاسی را داراست. این اندیشه همچنین قدرت وتوکردن معدود تصمیماتی را که خارج از چارچوب مورد قبول گرفته شده نیز دارد. اما از کنجایی که در اندیشه دینی و متعاقب آن در حکومت‌های شریعت‌محور، شخص پیامبر، امام و رهبر نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند، شاید این تصور قبلی آید که در نظام جمهوری اسلامی نیز شخص مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تنها پاسدار اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی است؛ بنابراین شخص ایشان نماد و تبلور Deep State در جمهوری اسلامی است، اما باید به این نکته تاریخی توجه داشت که حتی در خود «مدینهٔ النبی» نیز سیاست قدرت، مبتنی بر شخص پیامبر نبود، بلکه سیاست قدرت در مدینه بر دو بال «وحی الهی» و دیگری «نظام حکمرانی قبیله‌ای» استوار بود. در نظام جمهوری اسلامی نیز سیاست قدرت بر دو بال «اندیشه‌های امام خمینی» و «سیستم جمهوری» استوار است که این دو بال با رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در راستای هم‌پوشانی یکدیگر به کار گرفته می‌شود.

اما دراین‌میان، این جناح اصلاحات است که از ابتدای سال ۱۳۶۰ به‌عنوان مجری اندیشه‌های بنیان‌گذار نظام انقلاب اسلامی و مبتنی بر سیستم جمهورییت، همواره قدرت را در دست داشته است. این جناح در طول دهه ۶۰ شمسی تحت عنوان نیروهای «خط امامی» تا رحلت بنیان‌گذار انقلاب، قدرت را در دست داشت و سپس در دوران موسوم به سازندگی تحت عنوان «کارگزاران سازندگی» تا سال ۱۳۷۶ در قدرت بود. این جناح سپس در یک پوست‌اندازی بزرگ، جنبش اصلاحات را در دوم خرداد ۱۳۷۶ رقم زد و تا سال ۱۳۸۴ در مسند قدرت ماند و سپس در دهه ۱۳۹۰ نیز در قالب اعتدال‌گرایی دوباره عنان سیاست قدرت را در اختیار گرفت. تنها استثنا بر این قاعده، دوران هشت سال ریاست‌جمهوری یک اصولگرا به نام محمود احمدی‌نژاد بود که توانست دو دوره پیاپی در قدرت باشد و سپس نیز شهید آیت‌الله رئیسی بود که به‌عنوان یک اصولگرا از مرداد ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۳ موفق شد قدرت را از کف اصلاح‌طلبان خارج کند. اما بازگشت دوباره اصلاح‌طلبان به قدرت در تیر ماه ۱۴۰۳ این پیش‌فرض را کنارده و اثبات می‌کند که این جناح با موفقیت توانسته است در این چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، همواره خود را نگهدارنده اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب و سیستم جمهورییت نشان داده و قدرت اجرایی و عملیاتی در سیستم جمهوری اسلامی را در ید اختیار خود داشته باشد. در حقیقت، این اصلاح‌طلبان هستند که بازی سیاست را در این چهار دهه اخیر بهتر از جناح رقیب آموخته‌اند و همواره موفق شده‌اند قدرت را از دست خود وانهند. در تعریف سیستمی سیاست نیز گفته‌اند که سیاست چیزی جز تلاش برای کسب، نگهداشت، افزایش و مانور قدرت نیست. ما نیز شاهدیم که همواره اصلاح‌طلبان به‌عنوان محافظان هسته سخت قدرت، در این موضوع موفق عمل کرده‌اند.

وحیده کریمی؛ «وفاق ملی» رمز عبور ایران از تنگناها، چالش‌ها و بحران‌های پیش‌روست و مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب، بارها بر حل چالش‌ها و اختلافات جریان‌های داخلی برای دستیابی به همدلی در مسیر توسعه ایران تأکید داشته است. اما این روزها با اعلام نتیجه انتخابات که خوشایند جریان رادیکال نبوده، شاهد حملات گسترده به او و حامیانش هستیم. حملاتی از جنس تندروی که جز ایجاد تفرقه و دشمنی حاصلی ندارد و منتج به گسست اجتماعی و کاهش سرمایه‌های اجتماعی خواهد شد. البته در این رهگذر جریان رادیکال می‌خواهد ماهی خود را برای بقا در زمین سیاست‌ورزی صید کند که این امر با چنین رفتارهایی درنهایت برای منافع ملی ایران و ایرانیان جز مشکلات مضاعف، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. حملات ارتش سایبری که هیچ‌گونه مرز اخلاقی برای خود قائل نیستند، تا جایی پیش رفته که تهدید می‌کنند دولت چهاردهم ۴۰۴ را نخواهد دید و دراین‌بین حمله به رای‌دهندگان و قومیتی‌خواندن رای به پزشکیان هم یکی از کلیدواژه‌های تفرقه‌افکنی است؛ درحالی‌که نگاهی به آمار رای‌دهندگان در شهرهای مختلف نشان می‌دهد پزشکیان در استان‌هایی مانند البرز، اسلام، سیستان‌وبلوچستان، قزوین، مازندران، تهران و… از رقب پیشی گرفته و حتی در استان‌هایی که جلیلی پیشتاز بوده، درصد اختلاف یک یا دو درصد است؛ بنابراین اینکه آذری‌زبان‌ها و کردها انتخاب اصلح خود را پزشکیان قرار داده‌اند، نمی‌تواند مبنای تفسیر رای قومیتی باشد و این‌گونه بر طبل اختلاف قومی کوبیدن و به دنبال رشد تفکر مسموم جدایی طلب شهروندان آن‌هم زیر لوای جریان رادیکالی که اغلب خود را مدعی انقلابی‌گری معرفی کرده، جز آب به آسباب دشمن ریختن نیست. دیروز محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین، در پستی بر ضرورت دوری از همین انتقام‌گیری‌ها و کینه‌ورزی‌ها تأکید کرد و نوشت: «اکتون زمان همدلی است و شست‌وشوی دل‌ها از کینه‌ها و دلخوری‌ها و از زمان انتقام‌گیری و کینه‌ورزی. زمان احترام متقابل به باور‌ها، حساسیت‌ها و نگرانی‌های همه شهروندان ایران‌زمین است…». حسین مرعشی هم درباره سنگ‌اندازی‌های رقیبا در دولت پزشکیان، گفت: «امیدوارم بعد از سال‌ها کشمکش یک رشدی در میان مخالفان آقای پزشکیان اتفاق افتاده باشد که به جای تخریب رئیس‌جمهور منتخب و دولت آینده، بنا را بر همکاری، جلب مشارکت و راضی‌کردن مردم از جهت زندگی و معیشت داشته باشد و ان‌شاءالله پشتیبان مردمی جمهوری اسلامی شوند». مرعشی خاطرنشان کرد: «به هر حال اگر آنها هم کارشکنی کنند، آقای پزشکیان باید به این حاشیه‌ها بی‌اعتنا باشد و توجه‌شان به اصلاح امور کشور باشد. بالاخره رقب نیرومند آقای پزشکیان هستند و نهادهای مؤثری هم در دسترس‌شان است ولی امیدواریم در نهایت دوستان جبهه پایداری به رهنمودها و

حملات بی‌محابای سایبری‌ها و رادیکال‌ها به رئیس‌جمهور منتخب رو به افزایش است
تیغ بر وفاق؟
نظرات رهبری وفادار باشند و طبق نظر مقام معظم رهبری به جای تخریب به سمت همراهی روند». اگر پزشکیان نخواهد به وعده‌های مهم خود از جمله «ضمین او برای اینکه تمام دولت در برابر گشت‌های اجباری، فیلترکردن و فیلترشکن‌بازی و فشارهای بیرونی در همه جلسات تمام‌مدت بایستد» عمل کند، در تقابیل آشکار با منافع جریانی است که سال‌هاست بدون درنظرگرفتن افکار عمومی و بستن چشمان خود بر منافع عمومی دقیقاً در نقطه مقابل او ایستاده و قدرت کسی هم ندارد. برای مثال در مسئله فیلترینگ، دولت چهاردهم هم باید نهادهای قائل به محدودیت را اقناع کند، هم از پس مافیای فروش وی‌پی‌ان برآید. درافتادن با یک مافیای یا گردش مالی سالانه ۲۵ تا ۳۵ هزار میلیارد تومان، سخت است، بنابراین میدان رزم دولت چهاردهم از یک سو با سایبری‌هایی است که حملات بی‌محابای خود را آغاز کرده‌اند و از سویی هم نبرد با مافیای حوزه‌های مختلفی است که یا کاسب تحریم هستند یا کاسب مصونیت و مسودسازی‌های مختلف که تأمین‌کننده بودجه ارتش سایبری جریان رادیکال بودند. در اینکه مسعود پزشکیان راه سختی در پیش دارد و در نبرد با این بی‌اخلاقی‌ها راه چاره‌ای باید بیندیشد، شکی نیست اما مسئله قربانی‌شدن چندباره منافع ملی در پرونده‌های مهمی مانند مذاکرات هسته‌ای، مذاکرات رفع تحریم‌ها، پرونده کرسنت و مناعت‌از نیوستن ایران به افای‌تی‌اف و موارد دیگر قابل اغماض نیست و ادامه روند تصمیم‌سازی جریان رادیکال با فشار حداکثری در داخل و سنگ‌اندازی و کارشکنی در کار دولت، سناریویی تکراری است که زنگ هشدار‌ها برای توجه ویژه به آن را به صدا درآورد است. اقلیتی پسرورصدا با نادیده‌گرفتن منافع ملی مانند گذشتن به توسل به شبکه‌سازی‌ای که در فضای مجازی



انجام داده و توان رسانه‌ای که در اختیار دارد، در همان مسیر تکراری تخریب قدم برمی‌دارد و از اتهام‌زنی و تفرقه‌افکنی ایایی ندارد و شاهد این ادعا حملات نه‌نقطه به پزشکیان بلکه حتی به قالیباف که در دور دوم متحدشان بود و شاهد تخریب دور رئیس قوه کشور در نهایت ظرافت هستیم تا مانع اتحاد و همدلی مورد نیاز برای پیشرفت کشور باشیم. غلامعلی ربیایی هم با اشراف بر سنگ‌اندازی‌های فعلی در همین زمینه گفته است: «پیش‌بینی من این است که ایشان بساط دولت سایه را برمی‌چیند و باید برچیند؛ ما دولت سایه را نمی‌پذیریم. اگر تجربه‌ای هست، مربوط به نظام است و باید در اختیار نظام قرار داده شود. من گمان نمی‌کنم که آقای پزشکیان اجازه بدهد دولت سایه‌ای در کنارش شکل بگیرد. اگر تجربه‌ای هست، باید در اختیار دولت گذاشته شود؛ در حد اینکه ارائه مکتوب باشد یا در جلساتی منتقل شود. ولی من این مجال می‌بینم که کسانی از جبهه پایداری بخواهند در دولت پزشکیان باشند». او همچنین گفته: «آقای پزشکیان راه سختی در پیش دارد و البته خوشبختانه به مدد چهار تا پنج دوره حضور در مجلس و بودن در دولت آقای خامنی، ایشان به مسائل کشور آشناست و مثل بعضی از رقبایش، از دور دستی بر آتش نداشته است. من فکر می‌کنم ایشان با سیاست‌هایش بتواند بیشتر از دوره انتخابات امیرا را به مردم برگرداند».

در نهایت بازگشت امید به مردم، مقابله با حملات سایبری‌های جریان رادیکال، مقابله با اتهام‌زنی‌ها و پرونده‌سازی‌های معمول برای شکست برنامه‌های دولت نیاز به همدلی و همراهی همه جریان‌های سیاسی شناسنامه‌داری دارد که می‌توانند در مقابل رفتارهای جریان رادیکال بایستند و منافع ملی را قربانی منافع حزبی و فردی نکرده و مانع انتقام سیاسی از دولت شوند.

در دفاع از جامعه‌ای که خود را می‌سازد

شاید حافظه ما در مشروطه گیر کرده است. در میان آن آدم‌های بزرگ که

از هیچ جهانی تازه خلق کردند. میان دستان‌شان احتمالاً جادویی، چیزی بوده که ما را ما موجودات همچون مردگان جزده با چشمانی گشاده و دهانی باز از وحشت را بر شاه‌هاشان گرفتند و از هدست تاریک گذشتگان گذر دادند. ما بی‌نوا مردمانی بودیم که هیچ از آنجا و از آن زمانی که بودیم نمی‌دانستیم. انسان‌هایی رنجور و گناهکارانی دائمی که شیره وجودشان توسط حاکمان و متعصبین و متصلبین نوشیده می‌شد. این تلاش آن‌قدر بزرگ و اسطوره‌ای است که در گذر این گردش دردناک زمان، حتی در دورترین مناظر، همواره چشم‌اندازی از آزادی در پیش چشمان‌مان نمایان کرده. آزادی و عدالت تهناترین و بزرگ‌ترین حلقه اتصال انسان معاصر ایرانی است. نویسندگان این متن گرچه رویکرد و تمایلات سیاسی خود را دارند، اما متن حاضر، یک متن سیاسی جهت مشخص‌کردن تکلیف درستی و غلطی مشارکت و تحریم نیست. این متن به دنبال یادآوری اهمیت امر اجتماعی و استقلال جایگاه آن است. اینکه فارغ از حکومت‌ها یا جناح‌های حاکم بر ایران، بیوسته باید امر اجتماعی را تقویت کرد. امر اجتماعی در این معنی که چون گفتار بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی باید جامعه را در مقابل سیاست و اقتصاد مراقبت و محافظت کرد. سیاست‌های مستقر در سده اخیر ایران، یا خواهان این بوده‌اند که جامعه را ذیل برنامه‌ها و تمایلات خود تقویت کنند، یا آنکه در راستای افکار ایدئولوژیک خود جامعه را تهییج کرده‌اند و از آن قربانی گرفته‌اند. یا از مقطعی به بعد در انفعالات، تضعیف امر سرگروب جامعه همت گماشته‌اند و در این بین سیاست‌زدایی از عرصه عمومی فصل مشترک همه انواع این ساختارها بوده است. متن حاضر که چند روز قبل از انتخابات نگاشته شده، به دنبال تقویت این گزاره است که با فاصله‌گیری از واکنش‌های سیاسی هرروز، باید اوضاع جسم نحیف جامعه را رصد کرد و در کنار اوضاع وخیم آن، نشانه‌های حیات و نبض‌زدن را در آن دید. از این‌رو به نظر می‌رسد که انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم در کنار هراس، شرم، ناامیدی و خشم اجتماعی که جامعه در حال فرسایش ایران را فرسوده‌تر کرده، بارقه‌هایی از حیات و روشنی را هم در این جامعه نشان می‌دهد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱- نقش کم‌رنگ سلبریتی‌ها در سیاست:

بعد از آنکه مواجهه سخت حاکمیت باعث شکست ایده سیاسی تحول‌خواهان در دهه ۸۰ شد، نیروهای سیاسی از تمام گروه‌های فکری، برای باقی‌ماندن در عرصه سیاسی از طریق تلاش برای کسب اقبال عمومی، اکتیویست‌های سیاسی را با سلبریتی‌های ورزشی و بعد از آن سینمایی تعویض کردند. این روند ابعاد دیگری پیدا کرد و با تمام‌شدن و شکست ایده‌های سیاسی تحول‌خواهانه و همچنین رشد شبکه‌های اجتماعی، جامعه رویکرد دیگری به سیاست در کسب مرجعیت را دنبال کرد. آن مجرای که راحت‌تر و سریع‌تر و بدون پیچیدگی می‌توانست خواسته‌های سیاسی جامعه را به صورت اعتراضی مطرح کند، مورد اقبال قرار گرفت. این مسیر ادامه یافت تا آنکه یکی از مهم‌ترین وقایع اجتماعی سیاسی ۴۴ سال اخیر را که بعد از مرگ مهسا امینی برای مطالبه پوشش اختیاری از طرف بخشی از جامعه ایجاد شد، تحت تأثیر قرار داد.

سلبریتی‌های هنری و ورزشی علی‌رغم احترام و محبوبیتی که دارند و در مجرا و موقعیت زمانی خود حتماً مفید است، اما حضور تهییج‌گراییانه‌شان که خود محصول سیاست‌زدایی از عرصه عمومی است، در انتخابات و عرصه سیاسی، صرفاً تنور کشن سیاسی را در بازه کوتاهی در ایران شعله‌ور می‌کرد، اما پس از مدتی خاکستر ناامیدی و سرخوردگی از این تهییج به جای می‌ماند؛ چراکه کار آنها تحلیل و توصیه اجتماعی و سیاسی نیست. اما اکنون بعد نزدیک به دو دهه که سلبریتی‌ها نقش پررنگی در انتخابات‌ها و بالاتر، در سیاست ایران پیدا کرده بودند، با بازگشتی که جامعه به سیاست داشته است، شاهد کاهش یا حتی حذف و بی‌رقم‌شدن حضور سلبریتی‌ها در فضای تحلیل و توصیه سیاسی در ایران هستیم.

۲- بازم‌رجعیت یافتن آکادمیسین‌ها، تحلیلمان و روشنفکران عمومی در ایران:

در رصدی که حداقل از افراد پیرامون خود داریم، مشارکت‌جویان، برای رای‌دادن به اکتیویست‌ها و اندیشمندانی همچون موحد، شهبختی، عبدی، فاضلی، زبانی، ججاریان، غنی‌نژاد، ابابری، زبیدآبادی و دیگران ارجاع می‌دهند و تحریم‌کنندگان انتخابات نیز به گفته‌های افرادی همچون مهرآیین، قادری و… به نظر می‌رسد با کنار گذاشته‌شدن نسبی سلبریتی‌ها از عرصه سیاسی شهروندان به دنبال گروه‌های مرجعی برای تأیید تصمیم‌های خودشان در عرصه سیاسی می‌گردند، از این‌رو پذیرفته‌اند اندیشمندانی که سال‌های عمر خود را صرف بررسی و مطالعه کرده‌اند، صاحب‌نظرتر از آنان برای

حملات بی‌محابای سایبری‌ها و رادیکال‌ها به رئیس‌جمهور منتخب رو به افزایش است

تیغ بر وفاق؟

انجام داده و توان رسانه‌ای که در اختیار دارد، در همان مسیر تکراری تخریب قدم برمی‌دارد و از اتهام‌زنی و تفرقه‌افکنی ایایی ندارد و شاهد این ادعا حملات نه‌نقطه به پزشکیان بلکه حتی به قالیباف که در دور دوم متحدشان بود و شاهد تخریب دور رئیس قوه کشور در نهایت ظرافت هستیم تا مانع اتحاد و همدلی مورد نیاز برای پیشرفت کشور باشیم. غلامعلی ربیایی هم با اشراف بر سنگ‌اندازی‌های فعلی در همین زمینه گفته است: «پیش‌بینی من این است که ایشان بساط دولت سایه را برمی‌چیند و باید برچیند؛ ما دولت سایه را نمی‌پذیریم. اگر تجربه‌ای هست، مربوط به نظام است و باید در اختیار نظام قرار داده شود. من گمان نمی‌کنم که آقای پزشکیان اجازه بدهد دولت سایه‌ای در کنارش شکل بگیرد. اگر تجربه‌ای هست، باید در اختیار دولت گذاشته شود؛ در حد اینکه ارائه مکتوب باشد یا در جلساتی منتقل شود. ولی من این مجال می‌بینم که کسانی از جبهه پایداری بخواهند در دولت پزشکیان باشند». او همچنین گفته: «آقای پزشکیان راه سختی در پیش دارد و البته خوشبختانه به مدد چهار تا پنج دوره حضور در مجلس و بودن در دولت آقای خامنی، ایشان به مسائل کشور آشناست و مثل بعضی از رقبایش، از دور دستی بر آتش نداشته است. من فکر می‌کنم ایشان با سیاست‌هایش بتواند بیشتر از دوره انتخابات امیرا را به مردم برگرداند».

در نهایت بازگشت امید به مردم، مقابله با حملات سایبری‌های جریان رادیکال، مقابله با اتهام‌زنی‌ها و پرونده‌سازی‌های معمول برای شکست برنامه‌های دولت نیاز به همدلی و همراهی همه جریان‌های سیاسی شناسنامه‌داری دارد که می‌توانند در مقابل رفتارهای جریان رادیکال بایستند و منافع ملی را قربانی منافع حزبی و فردی نکرده و مانع انتقام سیاسی از دولت شوند.

خبر

رئیس قوه قضائیه:

باید به رئیس‌جمهور منتخب کمک کنیم

رئیس قوه قضائیه گفت: باید در انتخاب کابینه فصال و در تراز نظام اسلامی به رئیس‌جمهور منتخب کمک کنیم. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، ضمن تسلیت و تعزیت فرارسیدن ماه محرم، ماه حزن آل‌الله و ماه شهادت سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین و یاران باوفایش، به تبیین و تشریح فلسفه و اهداف قیام عاشورا پرداخت. رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به برگزاری مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم و مشخص‌شدن رئیس‌جمهور منتخب با آرای ملت، گفت: لازم می‌دانم مجدداً از مردم گرانقدر ایران اسلامی که با شور و شفع و احساس مسئولیت بیشتر در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم شرکت کردند و به ندای رهبری معظم انقلاب پاسخ گفتند، تقدیر و تشکر کنم و از همه دست‌اندرکاران اجرایی، نظارتی، قضائی، امنیتی، نظامی و انتظامی که بعد از حادثه جانگناه شهادت رئیس‌جمهور محبوب، بلافاصله مقدمات برگزاری انتخابات را در موعد مقرر و بدون تأخیر فراهم آوردند و نتایجنا انتخاباتی آرام و امن و سالم را برگزار کردند، قدردانی به عمل آورم. وی بیان کرد: همچنین باید از مقامات و مسئولان ذی‌صلاح قضائی اعم از دادستان کل، دادستان‌های سراسر کشور، معاون پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و نمایندگان دستگاه قضائی در کمیسیون بررسی تبلیغات انتخاباتی که به‌صورت شایانه‌روزی به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود در جهت برگزاری سالم انتخابات مشغول بودند، تقدیر کنم. رئیس قوه قضائیه با اشاره به مشخص‌شدن رئیس‌جمهور منتخب با آرای ملت، اظهار کرد: اکنون فصل همدلی و وفاق بیشتر است؛ حالا وظیفه و مسئولیت خطیری سنکیتی بر دوش همه ما به‌ویژه رئیس‌جمهور منتخب است و همه ما وظیفه داریم او را در شئون مختلف یاری رسانیم. همان‌طور که خود رئیس‌جمهور منتخب مکرراً گفته‌اند، در جهت اجرای سیاست‌های کلی نظام (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) و برنامه هفتم و تحقق انتظارات بحق مردم و گسترش عدالت اجتماعی و رسیدگی به محرومان و طبقات کم‌برخوردار و تعالی کشور و نظام و پیشرفت و آبادانی کشور و رفاه مردم، رئیس‌جمهور مسئولیت خطیری بر عهده دارد و حتماً در این جهت کمر همت می‌بندند و ما نیز موظف به مساعدت و کمک به او هستیم.

کنعنائی: کانال‌های گفت‌وگو با آمریکا باز و پیام در حال تبادل است

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: کانال‌های دیپلماتیک با طرف‌های مذاکراتی ازجمله آمریکا برقرار است و روند مذاکرات جاری است. ناصر کنعنائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری روز گذشته خود درباره مذاکرات با ایالات متحده، عنوان کرد: کانال‌های دیپلماتیک با طرف‌های مذاکراتی ازجمله آمریکا برقرار است و مذاکرات جاری است و جزئیات آن را هر زمانی ضرورت ببینیم، در اختیار قرار می‌دهیم. کنعنائی در نشست هفتگی خود با اهالی رسانه بیان کرد: این یک روند است و امیدواریم روند مذاکرات بتواند ما را به نتیجه لازم برساند و برای تحقق حقوق ملت ایران از همه ظرفیت‌های دیپلماتیک خود استفاده خواهد کرد. ایران پاینده به مذاکره بوده و از تعهدات خود شانه خالی نکرده است.

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سوآلی درباره موضوع مذاکرات رفع تحریم‌ها گفت: موضوع مذاکرات رفع تحریم‌ها سازوکار مشخص و روشنی دارد و دولت سیزدهم در چارچوب سیاست‌های کلان کشور، تمام تلاش‌های دیپلماتیک خود را تا این لحظه به کار بسته و تا روزی که دولت مسئولیت را برعهده دارد، تمام تلاش‌های خود را در چارچوب سازوکار تعریف‌شده ادامه می‌دهد. کنعنائی ادامه داد: اینکه در آینده چطور عمل می‌شود، باید منتظر آغز فعالیت دولت جدید باشیم. البته در دوران رقابت‌های انتخاباتی نامزدوها رویکردهای خود را از طریق مختلف به سمع و نظر مردم رساندند.